

۲- عدلِ خورشید شاه

ماخوذ

چون روز روشن شد از لشکرِ ارمنشاه، یکی هم باقی نمانده بود- همه کشته شده بودند- لشکرِ خورشید شاه خُرم شدند و دست به تاراج و غارت گشودند-

سمک در بُن چاه بود- چون خروش خوابید، باکارد بر دیوارِ چاه کوبید و از چاه بیرون آمد- نگاه کرد- هیچ کس ندید، جز کشتگان- روی به لشکرگاهِ خورشید شاه نهاد- چون به بارگاه رسید، خورشید شاه او را کنار گرفت و احوال پرسید- سمک آنچه رفته بود باز گفت-

از آن جانب، خبر به ماچین رسید که ارمنشاه به کوه خاور گریخته است- طلامه پهلوان، که ارمنشاه او را به شهر فرستاده بود تا آن را نگاه دارد، چون این سخن را شنید، به همه کدخدایان و پهلوانانِ شهر گفت: ”اکنون ارمنشاه گریخته است و مصلحت نباشد که ما با خورشید شاه جنگ کنیم- وقتی ارمنشاه و دیور و قزل ملک و غرامه و دیگر پهلوانان توان ایستادن در برابر آنها را نداشتند- ما چگونه بایستیم؟ باید به خدمتِ خورشید شاه رویم و زمینِ ادب را بوسه دهیم-“ همگان گفتند: ”آنچه پهلوان کند، ما همه راضی باشیم-“

طلامه گفت: ”دروازه ها، همه را بگشایید تا ما به خدمتِ خورشید شاه رویم-“ به فرموده طلامه، هجده دروازه ماچین را گشودند و طلامه بالشکری که در شهر بودند، پیاده روی به لشکرگاهِ خورشید شاه نهادند: امان خواهان و با هدایای بسیار، زنان و کودکان نیز بر بامها بودند و ناله و زاری می کردند-

چون طلامه و لشکریان به کنارِ لشکرگاهِ خورشید شاه رسیدند، کسی بیامد و احوال را با خورشید شاه گفت- خورشید شاه فرمان داد تا همه را بیاورند- طلامه با چند پهلوان به بارگاهِ خورشید شاه رفتند- خدمت کردند و زمینِ ادب ببوسیدند- خورشید شاه طلامه را در کنار گرفت و بر کرسی زرین نشاند و پیران و پهلوانانِ دیگر را جدا جدا در کنار گرفت و بر نایان را همه بنواخت و احوالِ مردمِ شهرِ ماچین پرسید- پیران گفتند: ”ای شاه، به فریادِ درویشان و زنان و کودکان رس که هیچ ندارند، نه آب و نه نان! در شهر، یک من غله یافت نشود- از بسیاری ظلم و ستمِ ارمنشاه همه جا ویرانه است-“

خورشید شاه گفت: ”دل فارغ دارید که از بهر شما هفت سال خراج از مردمِ ماچین نگیرم-“ خاص و عام او را دعا کردند و فغفور گفت: ”ای شاهزاده، باید که به شهر رویم و آنجا را امن کنیم تا مردم در آسایش زندگی کنند-“

خورشید شاه گفت: ”برویم-“

همگی روی به شهر نهادند- در شهر، خورشید شاه در سرای ارمنشاه فرود آمد و تمامی مرد وزن بر او آفرین گفتند-

خورشید شاه فرمان داد تا منادی کردند که داد و عدل است و بیداد نیست و روزگار ظلم به سر آمده است و هیچ کس را با هیچ کس کاری نباشد و هیچ کس بر هیچ کس ظلم و ستم نکند-

تا يك هفته منادی این را در شهر و ولایات می گفت و فریاد می کرد- آن گاه خورشید شاه فرمان داد تا از ولایات دیگر غله و گندم بیاورند و به مردم دهند- از بسیاری غله که از هر جانب می آوردند، هیچ کس را رغبتی به خرید غله نبود- معتمدان ارمنشاه بیامدند و کلید گنجها را به خورشید شاه دادند- خورشید شاه فرمان داد تا در گنجها را گشودند و مال فراوان جمع شد- پس فرمان داد تا منادی کنند که هر کس از وی چیزی به زور گرفته اند- بیاید و باز پس گیرد- خلق می آمدند و هر چه می گفتند، خورشید شاه ایشان را باز پس می داد- درویشان را می نواخت و بزرگان را مراعات می کرد و خلعت می داد- چون چند روزی این چنین گذشت، مردم گفتند: ”تاکنون، هرگز شهر ماچین به این خوبی و خوشی نبوده است و این از عدل و داد خورشید شاه است که ولایات آبادان شده است-“

فرهنگ Glossary

Name of an Iranian king	ایک ایرانی بادشاه کا نام	ارمنشاه
Ruin, ravage, plunder	لوٹ مار، برباد کرنا	تاراج
Pillage, rapine	لوٹ مار	غارت
Name of a character	ایک کردار کا نام	سمک
Well	کنواں	چاه
Headman for a village	بستی یا علاقے کا سردار	کدخدا
Name of a character	ایک کردار کا نام	طلامہ
Young	جوان	برنا
Lament	فریاد	نالہ و زاری
Tax	محصول	خراج
Announcement	اعلان	مُنادی

Clothes given by a king	بادشاہ کی طرف سے عطا کردہ شاہی لباس	خلعت
Name of a character	ایک کردار کا نام	دبور
Name of a character	ایک کردار کا نام	قزل ملک
Name of a character	ایک کردار کا نام	گرامہ
East Turkistan	مشرقی ترکستان	ماچین
Bullying	غنڈہ گردی کرنا	بہ زور گفتن

پرسش Exercise

۱۔ ارمنشاہ کے فرار ہونے پر اس کے ساتھیوں نے حملہ آور بادشاہ کے ساتھ جو کیا، مختصراً اردو یا انگریزی میں لکھیے۔

Write in brief in Urdu or English about the situation after the escape of Arman Shah, what did his companions do with the conquerer king.

۲۔ خورشید شاہ نے ماچین پر قبضے کے بعد اس کی عوام کے ساتھ جو سلوک کیا، اُسے اردو یا انگریزی میں لکھیے۔

What did Khurshid Shah do with the subjects of Maachin after conquering it?
Write it in Urdu or English.

۳۔ خورشید شاہ کے عدل و انصاف کے متعلق مختصراً لکھیے۔

Write briefly in Urdu or English about Khurshid Shah's justice among his subjects.

